

از : اسماعیل همدانلو

اخلاق، ورزش و توسعه

با این فرض که جامعه سالم، محیط زیست سالم و انسان سالم هدف توسعه پایدار است بی تردید نقش محوری انسان سالم در ترکیب فوق هم برای ساخت و نگهداری محیط زیست سالم و هم برای ایجاد جامعه سالم بوضوح دیده میشود. حال این سؤال پیش میآید که انسان سالم کیست؟ انسان سالم انسانی است که جسم سالم و روح و روان سالم دارد. جسم سالم با ورزش شکل میگیرد و پایدار میماند و اگر روح و روان سالم را نیز انسان بتواند از ورزش بگیرد انسان کامل و سالم خواهد بود. امروزه ورزش چه در شکل ورزشکار و چه در شکل طرفدار و تماشاچی در زندگی مردم جای باز کرده و ورزشکار و قهرمان و پهلوان میتواند روی آحاد اجتماع تأثیرگذار باشد. این تأثیر را بسادگی در ظاهر شدن یک بازیکن فوتبال در جمع جوانان و صفهای طولانی برای گرفتن امضاء بوضوح میشود ملاحظه کرد. اگر ورزش در مدرسه و دانشگاه جایگاه محوری خود را بشرحی که گفته شد در توسعه رفتاری و جسمی انسان بتواند پیدا کند، الگوهای مجذوب و باشخصیت زیادی برای سایرین ساخته خواهد شد.

اما اتفاقی که در جامعه می افتد اینست که ورزش پهلوانی و قهرمانی بتدریج ارزش مادی پیدا میکند و ارزش غیرتی و شخصیتی آن کم میشود و بتدریج به کسب و کار تبدیل شده و رفتار خاص خود را در جامعه پیدا میکند.

اگر مفهوم ورزش با عنوان اقدامی مفرح، شادی بخش و سلامت ساز در قاعده هرم جمعیتی گسترش یابد منش و شخصیت انسان سالم به تدریج از قاعده به رأس هرم حرکت خواهد کرد و چنانچه حرکت ورزشی جامعه با مفهوم اقتصادی شکل بگیرد و توسعه یابد برنده شدن و حریف را بهر صورت و بهر طریق بردن با پدیده هائی همچون دوپینگ و سایر رفتارهای غیراخلاقی در محیطهای ورزشی ظاهر میشود که از مسیر تعالی سازی ورزش فاصله میگیرد.

بنابراین برای ساخت و پردازش ورزش با مفهوم تندرستی، شادی بخشی باید اخلاق را در فضاهای ورزشی بصورت جدی مطرح و ارتقاء بخشید.

علم اخلاق از جای جای زندگی انسانها گرفته شده و با تکمیل آن شیوه و روش هائی ارائه شده و میشود که چگونه باید زندگی کردن و چگونه باید عمل کردن را به انسانها یاد میدهد.

اخلاق بقدری نقش محوری در توسعه جامعه و انسانها دارد که هدف پیامبری آخرین رسول خدا قرار میگیرد که میفرمایند به تکمیل اخلاق پیغمبرم .

حال باید دید با اینهمه اهمیت اخلاق در ورزش و نقش محوری آن در توسعه پایدار چه عواملی اخلاق را میسازند و یا آنرا تحت تأثیر قرار میدهند.

اخلاق تابعی است از چگونگی توزیع ثروت، توزیع قدرت و توزیع فرصت در یک جامعه با نگاهی دیگر ترکیب هر سه عنصر فوق عدالت اجتماعی را در یک جامعه تبیین میکند. با این فرض وقتی ثروت و قدرت و فرصت انحصاری باشد و شکاف در جامعه بین اقلیت و اکثریت پدیدار گردد عدالت اجتماعی شکسته میشود و اخلاق را تحت تأثیر تخریبی خود قرار میدهد و رفتارهای غیراخلاقی نمایان میگردد. رفتارهای غیراخلاقی مختص محیطهای ورزش نخواهد بود بلکه در عرصه زندگی اجتماعی گسترده خواهد شد. رفتار غیراخلاقی و نامأنوس در رانندگی (۲۷۰۰۰ کشته در سال)، رفتار غیراخلاقی و نامأنوس در زندگی روزمره اجتماعی (تعداد کثیری پرونده انواع تخلفات در محاکم) رفتار نامأنوس و غیراخلاقی در زندگی مشترک اجتماعی (افزایش طلاق و زندگی های اجباری بدتر از طلاق) رفتارهای غیراخلاقی در دستگاههای دولتی (رشوه و فسادهای مالی گوناگون) و بالاخره اعتیاد و خماری و خمودی و بیکاری و بیعاری دست بدست هم داده و جامعه ای نا آرام و ناسالم میسازند که هم اخلاق و هم ورزش از کارائی میافتد و به بیان دیگر ظاهر و باطن آنها از هم فاصله میگیرد و در مصاف بین برنده شدن و رعایت اصول و موازین اخلاقی ، برنده شدن بر رعایت اخلاق چیره میشود و رعایت اصول و قواعد رفتاری شکست میخورد.

نتیجه آنکه با گسترش عدالت اجتماعی، اخلاق جایگاه خود را برای اعتلاء سازی انسان پیدا میکند و انسان متعالی خود را نیازمند ورزش برای تندرستی و تفریح و شادابی خواهد دید و آدم های تندرست و ورزشکار در محیطهای ورزشی رفتارهای غیراخلاقی از خود بروز نخواهند داد.

به امید آنکه ورزشکاران ما با الهام از پیام انسان ساز رسول خدا با اخلاقی زیننده این کشور در میادین ورزشی ظاهر شوند و الگوئی برای سایر ورزشکاران قرار گیرند و اگر احتمالاً برنده مسابقه نبودند حداقل کاپ اخلاق را از آن خود سازند.